

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۲۶

## حقوق بنیادین بشر در منشور حکومتی امام علی (ع)

۱۰۹

فصلنامه مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

سید اصغر جعفری  
حقوق بنیادین بشر در منشور حکومتی امام علی (ع)

سید اصغر جعفری<sup>۱\*</sup>

۱. استادیار حقوق بین الملل دانشگاه مالک اشتر، تهران، تهران، ایران.

### چکیده

امام علی (ع) به عنوان پیشوای مسلمانان، در دوران زمامداری خود، در برابر حقوق اساسی بشر سخت پرتلاش و حساس بوده و خود را متعهد به مهیا ساختن بسترها و زمینه‌های لازم برای تأمین آن حقوق می‌دانستند. چرا که ایشان معتقد بودند افراد به اعتبار انسان بودن دارای یک سری حقوقی در جامعه هستند که جزء حقوق ذاتی آنها است و محروم شدن از این حقوق طبیعی و ذاتی سبب از دست رفتن هویت و شخصیت انسانی‌شان می‌شود. چنان که در زمان انتصاب مالک اشتر به سمت استانداری، تا مین و تضمین حقوق بنیادین انسان‌ها را در قالب منشور حکومتی به ایشان ابلاغ نموده‌اند. اینکه در منظر امام علی (ع) حقوق بشر چه جایگاهی دارد و حقوق بنیادین بشر در چارچوب منشور حکومتی چیست، سؤالاتی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله پس از مرور ادبیات نظری در باره حقوق بشر، با استفاده از روش تحلیل محتوا، حقوق بنیادین بشر در منشور حکومتی استخراج و تحلیل شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تنها حقوقی بنیادینی که تمدن قرن بیستم برای بشر به رسمیت شناخته است، در مقایسه با منشور حکومتی مالک اشتر نوعی سازگاری وجود دارد، بلکه برتری دیدگاه حقوق بشری در منشور حکومتی نسبت به دیدگاه رایج حقوق بشر را نمایان می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** امام علی (ع)، مالک اشتر، حقوق بشر، منشور حکومتی، کرامت انسانی.

## ۱. کلیات

### ۱-۱. بیان موضوع

حقوق بشر،<sup>۱</sup> مجموعه ای از امتیازات دارای مضمون و مفهوم والای انسانی است که انسان صرف نظر از هرگونه وابستگی دینی، نژادی، جنسی، زبانی و مانند آن و حتی میزان قابلیت و صلاحیت فردی و بدون توجه به اوضاع و احوال متغیر انسانی از آن برخوردار است و به منظور تضمین اجرای آن دولت‌ها صراحتاً متعهد گشته‌اند که آن را برای آحاد بشر رعایت نمایند. (Weston, 1992:656)

بررسی حقوق بشر در تاریخ گذشته نشان می‌دهد که از هزاران سال پیش انسان‌ها به فکر حقوق و تکالیف و مقررات و انجام وظایف خود در برابر یکدیگر بودند. اما آنگونه که اسلام به این مسأله اهمیت و توجه نموده در دیگر مکاتب و اندیشه‌ها به آن چنین توجه‌ای نشده است؛ چنانکه دکتر گوستاو لوبون دانشمند شهیر فرانسوی در کتاب تمدن اسلام و عرب خود می‌نویسد: در مسلمین مساوات و برابری در نهایت درجه کمال می‌باشد، این مساوات که در اروپا با کمال حرارت و جوش ذکر شده و ورد زبان خاص و عام است جز در کتب اثری از آن در خارج مشهود نیست و در مسلمین عملاً وجود داشته است. (هاشمی نژاد، ۱۳۵۷:۱۸۳)

مکتب حیاتبخش اسلام، نه تنها از حق حیات، حق آزادی، حق دادخواهی، حق برابری، حق امنیت، حقوق اقلیت‌ها و ده‌ها حقوق دیگر را که امروزه برخی از آن‌ها مفاد بیانیه جهانی حقوق بشر را تشکیل می‌دهند، به روشنی و آگاهانه یاد کرده است؛ بلکه پیامبر اعظم (ص) و امیرالمومنین حضرت علی (ع) در مقام عمل نیز حقوق اساسی بشر را به بهترین وجه به مورد اجراء درآورده‌اند و تصویری از تعالی حقوق بشر در تاریخ و حقوق بشر در عصر خود را برای تمامی عصرها و نسل‌ها به نمایش گذاشته‌اند.

امام علی (ع) در برابر حقوق بنیادین بشر سخت پرتلاش و حساس و خود را متعهد به مهیا ساختن بسترها و زمینه‌های لازم برای تأمین آن حقوق می‌دانستند. از جمله آنکه، در زمان انتصاب یکی از یاران خود بنام مالک اشتر به سمت استانداری مصر، تأمین و تضمین حقوق بنیادین انسان‌ها را در قالب منشور حکومتی، به عبارتی عهدنامه مالک اشتر، به ایشان ابلاغ نموده‌اند که در واقع آن را می‌توان یکی از مترقی‌ترین اسناد بین‌المللی در موضوع حقوق بشر قرار داد.

## ۲. اهداف پژوهش

الف- بررسی جایگاه حقوق بشر در منظر امام علی (ع)؛  
ب- تبیین حقوق بنیادین بشر در چارچوب منشور حکومتی.

## ۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه یکی از موضوعات اساسی در عرصه بین‌المللی که از مطالبات عمومی ملت‌ها نیز به شمار می‌آید، موضوع حقوق بشر است. موضوعی که غربی‌ها خود را مبتکر و مشوق آن قلمداد می‌کنند و کم‌ترین اشاره‌ای به نقش اسلام در این زمینه ندارند. حال آنکه اسلام چهارده قرن قبل آن را اعلام و مورد حمایت و احترام قرار داده است. چنان که امام علی (ع) حقوق بنیادین انسان‌ها را در قالب منشور حکومتی در زمان انتصاب یکی از یاران خود بنام مالک اشتر به سمت استانداری مصر تأمین و تضمین کردند. بر این اساس، ضرورت دارد به منظور شناساندن تعالیم اسلام و زمامداران واقعی آن و نیز بهبود و ارتقای حقوق بشر در عرصه بین‌المللی، منشور حکومتی یاد شده که دارای شرایط و بایسته‌های حکومت متولی حقوق بشر و همچنین در بیان حقوق بنیادینی که حکومت‌ها در قبال افراد جامعه دارند، تبیین شود.

## ۴. روش پژوهش

این پژوهش برای پاسخ‌گویی به سؤال‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده خواهد کرد.

## ۵. سؤال‌های پژوهش

الف- حقوق بشر در منظر امام علی (ع) از چه جایگاهی برخوردار است؟  
ب- حقوق بنیادین بشر در چارچوب منشور حکومتی چیست؟

## ۶. فرضیه پژوهش

حقوق بنیادین بشر در چارچوب منشور حکومتی در مقایسه با حقوقی که تمدن قرن بیستم برای بشر به رسمیت شناخته است، نه تنها نوعی سازگاری وجود دارد، بلکه برتری آن را نمایان می‌کند.

## گفتار اول: مبانی نظری پژوهش

قبل از آنکه حقوق بنیادین بشر از دیدگاه امام علی (ع) با تمرکز بر منشور حکومتی تبیین شود لازم است به اختصار ماهیت و محتوای حقوقی که تمدن قرن بیستم آن‌ها را برای بشر به رسمیت شناخته به عنوان مباحث مقدماتی مطرح شود.

### بند اول: تعریف و پیشینه حقوق بشر

حقوق بشر مبنا و هدف غایی همه فعالیت‌های نظام ملل متحد است (شایگان و دیگران، ۸۲: ۲). زیرا که در مقدمه منشور ملل متحد، ایمان به حقوق اساسی بشر، شأن و ارزش شخص انسان، تساوی حقوق مرد و زن و همچنین میان ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ، مورد تایید قرار گرفته و نیز طبق بند ۳ ماده ۱ منشور ملل متحد، یکی از اهداف این سازمان « حصول همکاری بین المللی... در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب» است.

#### ۱. تعریف حقوق بشر

حقوق بشر از دو کلمه حقوق به اضافه بشر تشکیل شده است. حقوق به معنای حق است. حق، یعنی اختیار و آزادی که برای انسان قائل می‌شوند تا به موجب آن بتواند کاری انجام دهد و یا از انجام کاری خودداری کند (خلیلیان، ۱۳۶۸: ۱۵). و صفت «بشر» در عبارت حقوق بشر به موضوعی اشاره می‌کند که در آن حقوق واگذار شده است (Dinstin, 2007: 20).

حقوق بشر را به طور کلی می‌توان آن دسته از حقوق تعریف کرد که ذاتی طبیعت ماست و بدون آن نمی‌توانیم به عنوان انسان زندگی کنیم. لذا هر انسانی [به طور ذاتی] باید از این حقوق بهره مند گردد (شایگان و دیگران، ۸۲: ۱). به عبارت دیگر، حقوق بشر، حقوقی هستند که هر کسی از آن حیث که انسان است از آن‌ها برخوردار است؛ همه انسان‌ها در آن سهیم‌اند؛ صرف نظر از حقوق و تکالیفی که یک فرد ممکن است به عنوان شهروند، عضو خانواده، کارگر، یا عضو سازمان یا انجمن خصوصی و عمومی داشته باشد، یا نداشته باشد (شریفی طراز کوهی، ۱۳۸۰: ۷۳). به دیگر سخن؛ حقوق بشر عبارت از مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه است که افراد به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با تضمینات و حمایت‌های لازم از آن برخوردار می‌باشند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۲).

## ۲. حقوق بنیادین بشر

حقوق بشر و شکوفایی آن بر اصول پایه گذاری متکی است که بر اساس آن، بشریت می تواند از زندگی شایسته در جلوه های متفاوت برخوردار شود. این اصول که در بادی امر، مولود اندیشه های فلسفی، اخلاقی و دینی می باشد و در آن، سعادت بشری همواره مورد نظر است، در روابط فردی و اجتماعی، نظام حقوقی داخلی و بین المللی را بارور می سازد (همان: ۲۰۲).

ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱</sup> این اصول پایه گذار را معرفی می کند، چنانکه اعلام می نماید: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.» اگر به اعلامیه جهانی حقوق بشر مراجعه نمایم، مشاهده می کنیم که در هیچ یک از مفاد اعلامیه، ذکری از اصول اساسی حقوق بشر یا فصلی به عنوان حقوق بنیادین بشر به میان نمی آورد، اما، وقتی که مراد از بنیادین بیان شود، می توان اصول بنیادین حقوق بشری را استنتاج کرد.

در مفهوم حقوق بنیادین<sup>۲</sup> آمده است: بنیادین بودن برخی از حقوق بدان خاطر است که وجود آن حقوق مایه قوام و نبود آن ها موجب زوال شخص یا شخصیت انسان می شود (گرجی، ۱۳۸۳: ۲۸). وقتی به آثار اساتید برجسته در حوزه حقوق بشر مراجعه می کنیم، مشاهده می شود که آن ها حق حیات، حق کرامت و حیثیت انسانی، حق آزادی و برابری و برادری را از جمله حقوقی می دانند که در بنیادی بودن آن اتفاق نظر دارند<sup>۳</sup>.

## بند دوم: خاستگاه و محتوای حقوق بشر و مطالعات فرهنگی

اندیشمندان فراوان و مکاتب گوناگون، در طول تاریخ (دوران های باستانی، قرون وسطا، جدید و معاصر) و عرض جغرافیا (شرق و غرب) و در عرصه ادیان و مذاهب (مسیحیت و اسلام) با تصاویر متفاوتی از جامعه انسانی، همچون: «جامعه طبیعی»، «جامعه مدنی»، «جامعه ایده آل»، «دولت-شهر» و «شهرخدا» به بحث و بررسی پیرامون جایگاه انسان

1. Universal Declaration of Human Rights.

2. Fundamental Rights

۳. برای اطلاع بیشتر از این موضوع می توان از جمله به: حقوق جهانی بشر: تحقیق و تطبیق در دو نظام؛ اسلام و غرب حقوق بشر، اثر علامه محمد تقی جعفری؛ آزادی های انسانی، اثر دکتر سیدمحمد هاشمی؛ اسلام و حقوق بشر، اثر زین العابدین قربانی، حقوق بشر، اثر کریستیان تاموشات ترجمه دکترحسین شریفی طراز کوهی و .. مراجعه شود.

و حقوق مترتب بر آن پرداخته‌اند که موضوع بحث زمینه‌های فلسفی حقوق بشر<sup>۱</sup> است که به سبب طولانی نشدن مباحث، صرفاً به زمینه تاریخی شکل‌گیری حقوق بشر اشاره می‌شود.

## ۱. خاستگاه حقوق بشر

نگاهی گذرا به تاریخ حیات انسان‌ها این موضوع را نشان می‌دهد که اگر چه تدوین اعلامیه حقوق بشر، پدیده‌ای نوین است، اما حقوق مذکور در آن قدمتی بس طولانی دارد.<sup>۲</sup> چنان که قدیمی‌ترین، جامع‌ترین و جهانی‌ترین قوانین در کشور "بابل" به دست "حمورابی" که از ۲۱۲۳ تا ۲۰۸۰ قبل از میلاد در این کشور سلطنت می‌کرد، تدوین و تنظیم شده است. او پس از فتوحات و جنگ‌های فراوان برای از بین بردن تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها دستور داد، منشوری جهانی تنظیم و به مورد اجرا در آید. این منشور که روی سنگ‌هایی حک شده و در معابر عمومی قرار داده شده بود، دارای ۲۸۲ ماده و در اکثر امور فردی، اجتماعی، سیاسی، مدنی و .. قوانین نسبتاً کاملی داشته است (قربانی، ۱۳۶۷: ۷۰).

بعد از حمورابی، کوروش کبیر مؤسس سلسله هخامنشی (۵۵۹-۵۲۵ ق.م) از جمله پادشاهی به شمار می‌رود که پس از فتح بابل منشوری صادر کرد و برخی از حقوق آزادی‌ها، مانند آزادی عقیده و ایمان را به مردم آن سامان اعطا کرد (همان: ۷۴). "حقوق رم" با قدمت تاریخی خود، در حقیقت مبنای حقوق اکثر کشورهای قاره اروپا است. از جمله آثار تاریخی به جای مانده از حقوق رم «الواح دوازده گانه» می‌باشد. به دنبال بی‌عدالتی‌های حکومت طبقه اعیان و اعتراض گسترده طبقه عامه برای تحصیل حقوق برابر، در سال ۴۵۱-۴۵۰ پیش از میلاد یک هیأت ده نفری برای تنظیم و تدوین الواح دوازده گانه انتخاب شدند. الواح دوازده گانه مجموعه‌ای از قواعد اساسی برای یک جامعه ساده کشاورزی، در زمینه‌های حقوق عمومی، خصوصی، کیفری، مذهبی و نیز آیین دادرسی بر مبنای عرف و عادت است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۱۱۷). اما، مضامین

۱. فلسفه حقوق بشر- همانگونه که از مفهوم فلسفه استنباط می‌شود، عبارت از تحقیق آزادانه و خرد دوستانه در ماهیت زندگی و وجود انسان، از طریق جهان درونی هستی و جهان بیرون از اوست- عبارت از نگرش ژرف بینانه نسبت به هستی و طبیعت انسانی است که فلاسفه در کاوش‌های خود، عدل، نیکی، اخلاق و آزادی را معیار سعادت فردی و جمعی انسان دانسته‌اند. برای اطلاع بیشتر از این موضوع به کتاب‌های حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اثر دکتر سیدمحمد هاشمی و اسلام و حقوق بشر اثر آقای زین العابدین قربانی مراجعه شود.

۲. وقتی به فرهنگ و تمدن ایرانی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که شاعر پرآوازه ایرانی سعدی شیرازی، احترام و توجه به حقوق انسانی را در قالب ابیاتی بسیار زیبا و پر محتوا، نه برای ایرانیان، بلکه برای احاد بشریت این چنین بیان می‌کند: بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

موجود در اعلامیه حقوق بشر را با اختلافاتی کم یا بیش می‌توان در اعلامیه حقوق انگلستان (۱۶۸۸) و سپس در قانون مصوب ۱۶۴۱ دادگاه ایالت ماسوچوست و پس از آن در قانون اساسی ویرجینیا که به دنبال اعلامیه استقلال آمریکا (۴ ژوئیه ۱۷۷۶) به تصویب رسید، مشاهده کرد. اما شاید کامل‌ترین و نزدیک‌ترین متن حقوقی، اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۲۶ اوت ۱۷۸۹) باشد که پس از انقلاب کبیر این کشور و در ضمن ۱۷ ماده بیان شده است (فلسفه حقوق، ۱۳۷۷: ۲۴۰). گام‌های بعدی را در منشور آتلانتیک (اوت ۱۹۴۱) می‌توان یافت که در قسمت سوم آن، به حق مردم برای خودمختاری و در قسمت ششم آن به تأکید بر آزادی اندیشه و مذهب و حق امنیت اقتصادی و اجتماعی پرداخته است. پس از آن، در بیانیه سازمان ملل متحد که در اول ژانویه ۱۹۴۲ توسط ۲۶ کشور به امضاء رسید و دول امضاء کننده، بر حقوق بشر و حمایت از آن تأکید ورزیدند و بعد از آن در طرح دهم‌ترین اوکس<sup>۱</sup> (۱۹۴۴) و کنفرانس سانفرانسیسکو<sup>۲</sup> (۱۹۴۵) نیز اهمیت موضوع حمایت از حقوق بشر عنوان شد و تصمیماتی راجع به آن اتخاذ گردید (همان: ۲۴۱).

در آخرین گام، موضوع حقوق بشر را می‌توان در منشور سازمان ملل متحد یافت. طبق ماده ۶۸ منشور ملل متحد، شورای اقتصادی و اجتماعی که جزء ارکان اصلی سازمان ملل می‌باشد<sup>۳</sup>، موظف بود کمیسیونی برای اشاعه حقوق بشر تشکیل دهد، از این رو، در سال ۱۹۴۶ کمیسیونی بنام «کمیسیون حقوق بشر» تشکیل شد و وظیفه بزرگ تاریخی خود را که عبارت از جمع‌آوری اسناد و تدوین خواست‌ها و آمال مردم جهان در زمینه حقوق بشر و دادن توصیه‌ها و رهنمودهایی در جهت ارتقاء حقوق بشر و حفظ و حمایت از آن و تنظیم پیش‌نویس اعلامیه و تقدیم آن به مجمع عمومی سازمان برای تصویب بود، آغاز کرد (مهرپور، ۱۳۷۸: ۲۷).

کمیسیون برای تهیه حقوق بشر نه فقط از نظریات دولت‌ها و متخصصین و علمای حقوق بین‌الملل استفاده کرد، بلکه با جمعیت‌های مختلف و افرادی که در کنفرانس سانفرانسیسکو درباره حقوق بشر اظهار نظر کرده بودند به مشاوره پرداخت. سرانجام پیش‌نویس اعلامیه در سال ۱۹۴۸ تهیه و به سومین دوره اجلاس مجمع عمومی که در

۱. کنفرانس دهم‌ترین اوکس در سال ۱۹۴۴ در واشنگتن دی.سی تشکیل شد و در این کنفرانس پیش‌نویس مقدماتی برای ایجاد سازمان ملل متحد تهیه شد.

۲. کنفرانس سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۵ با شرکت نمایندگان پنجاه دولت تشکیل شد و منشور سازمان ملل متحد را تصویب نمود.

۳. ماده ۶۱ منشور سازمان ملل متحد.

پاریس تشکیل شده بود، تقدیم گردید، پس از بحث و مذاکره فراوان در خصوص هر ماده و حتی کلمه به کلمه بار دیگر در مجمع عمومی مورد شور قرار گرفت و بالاخره در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر پذیرفته شد (قربانی، ۱۳۶۷: ۱۰۴-۱۰۳). به این ترتیب، برای اولین بار در تاریخ بشر، سندی پدیدار شد که در آن حقوقی که هر انسان باید از آن برخوردار باشد، فارغ از نژاد، رنگ، پوست، جنس، زبان، یا سایر شرایط تبیین می شود. از آن روز فصل جدیدی در تاریخ بشر آغاز شده است (تاموشات، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

## ۲. محتوای مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر شامل یک مقدمه و ۳۰ ماده است و از آنجایی که اعلامیه جهانی حقوق بشر ارزش و اعتبار حقوقی الزام آور<sup>۱</sup> نداشت، محتوای آن به صورت معاهده و در دو میثاق در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به اتفاق آرا به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که عبارتند از: «میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۲</sup>» و «میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<sup>۳</sup>».

اهداف اصلی اعلامیه جهانی حقوق بشر که در مقدمه آن ذکر شد، حفظ آزادی، صلح و عدالت و برچیده شدن فقر و تبعیض و نیز، ایمان به حقوق اساسی بشر، شأن و ارزش شخص انسان، تساوی حقوق مرد و زن است. اینک به منظور آشنایی با محتوای مواد اعلامیه به طور خلاصه به حقوق مصرح در آن اشاره می نمایم. لازم به ذکر است که در باره مفاد اعلامیه حقوق بشر دسته بندی واحدی نسبت به آن وجود ندارد و شارحین اعلامیه هر یک بر حسب ذوق و سلیقه خود دسته بندی هایی را ارائه کرده اند.

(۱) دو ماده اول که اصول اساسی ناظر بر همه حقوق بشر را ابراز می نماید؛ عبارت است از:

- حق آزادی و برابری همه انسان ها (ماده ۱)؛

- عدم تبعیض نژادی، زبانی، دینی، سیاسی و جنسی (ماده ۲)؛

(۲) مواد ۳ تا ۲۱ این اعلامیه که حقوق مدنی و سیاسی را مورد توجه قرار می دهد؛ عبارت است از:

- حق حیات، آزادی و امنیت (ماده ۳)؛

1. Binding

2. The International Covenant on Civil and Political Rights ( ICPR).

3. The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights ( ICES).



- رهایی از بردگی (ماده ۴)؛
  - رهایی از شکنجه یا رفتار با تنبیه غیرانسانی و تحقیرآمیز (ماده ۵)؛
  - حق شناخته شدن انسان بعنوان یک شخص در برابر قانون (ماده ۶)؛
  - حق برابری در مقابل قانون و برخورداری یکسان از حمایت قانونی (ماده ۷)؛
  - منع تبعید و بازداشت خودسرانه و مداخله در امور خصوصی، حق مراجعه به محاکم صالحه و حق براءت و ... (مواد ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲)؛
  - حق آزادی مسافرت و اقامت در کشور خود و ترک یا بازگشت به کشور (ماده ۱۳)؛
  - حق پناهندگی (ماده ۱۴)؛
  - حق برخورداری از تابعیت و آزادی تغییر آن (ماده ۱۵)؛
  - حق آزادی ازدواج و حمایت خانواده (ماده ۱۶)؛
  - حق مالکیت (ماده ۱۷)؛
  - حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب (ماده ۱۸)؛
  - آزادی عقیده و بیان (ماده ۱۹)؛
  - حق تشکیل اجتماعات وانجمن‌های مسالمت آمیز و اتحادیه‌ها و ... (مواد ۲۰)؛
  - حق مشارکت در حکومت و انتخابات آزاد و دسترسی مساوی به خدمات عمومی (ماده ۲۱)؛
- ۳) مواد ۲۲ تا ۲۷ این اعلامیه که به بیان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد؛ عبارت است از:
- حق برخورداری از تأمین اجتماعی (ماده ۲۲)؛
  - حق اشتغال و دریافت مزد عادلانه برای کار (ماده ۲۳)؛
  - حق استراحت و تفریح (ماده ۲۴)؛
  - حق برخورداری از شرایط مناسب زندگی (ماده ۲۵)؛
  - حق برخورداری از آموزش و پرورش (ماده ۲۶)؛
  - حق شرکت در حیات فرهنگی جامعه (ماده ۲۷)؛
- ۴) سه ماده آخر در واقع به مبانی حفظ حقوق بشر برای برخورداری همگان از آن‌ها را مورد اشاره قرار می‌دهد، عبارت است از:
- حق خواستار شدن نظم اجتماعی که حقوق بشر را تأمین می‌کند (ماده ۲۸)؛
  - مسئولیت هر فرد نسبت به جامعه‌ای که توسعه آزاد و کامل او تنها در آن امکان‌پذیر

است (ماده ۲۹).

– رهایی از مداخله دولت یا دیگران در برخورداری از هر یک از حقوق فوق (ماده ۳۰).

### گفتار دوم: حقوق بنیادین بشر در عهدنامه مالک اشتر

نگاهی گذرا به تاریخ گذشته، به ویژه قرن بیستم، نشان می‌دهد بشر همواره شاهد نقض حقوق اساسی خود بوده است. کشتار جمعی، تبعیض و عدم برابری، خشونت‌های ناروا و اعمال وحشیانه نسبت به افراد و ... از جمله‌ی نقض حقوق انسان‌ها است. همین موضوع سبب شد که وجدان بشریت بیدار شده و تدوین یک اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر را مطالبه نماید. حق حیات، حق تعیین سرنوشت، کرامت انسانی، مساوات و برابری، حق آزادی، رهایی از شکنجه و رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز و ... از جمله حقوقی است که در بیانیه حقوق بشر به آن اشاره شده است (Alex, 2004: 85). اما، وقتی در عرصه جهانی، چگونگی اجرای قواعد و معیارهای حقوق بشر مورد توجه قرار می‌گیرد، ملاحظه می‌شود که مدعیان حقوق بشر منافع خود را بر دیگران مقدم می‌دارند و در برابر بنیادی‌ترین حقوق انسان‌ها مانع‌تراشی می‌نمایند و هر کجا ببینند که بیان اصولی حقوق بشر به ضرر آن‌ها هست آن را به نفع خود توجیه می‌کنند و یا با کمال پرویی آن را نادیده می‌گیرند. صدها سال قبل از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، مکتب حیاتبخش اسلام، نه تنها از حق حیات، حق آزادی، حق دادخواهی، حق مالکیت، حق برابری، حق امنیت، حق کار، حقوق اقلیت‌ها و ده‌ها حقوق دیگر را که امروزه برخی از آن‌ها مفاد بیانیه جهانی حقوق بشر را تشکیل می‌دهند، به روشنی و آگاهانه یاد کرده است؛ بلکه پیامبر اعظم حضرت محمد (ص) و امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) در مقام عمل نیز حقوق اساسی بشر را به بهترین وجه به مورد اجراء درآورده‌اند و تصویری از تعالی حقوق بشر در تاریخ و حقوق بشر در عصر خود را برای تمامی عصرها و نسل‌ها به نمایش گذاشته‌اند.

#### ۱- حقوق انسان‌ها در نظام اسلامی

حکومت در نظام اسلامی عهده‌دار اداره همه ابعاد جامعه از هدایت امور دینی و فرهنگی گرفته تا تنظیم مسائل اقتصادی و اجتماعی می‌باشد؛ به صورتی که همه مردم بی‌هیچ‌گونه تبعیض از حقوق اجتماعی مساوی برخوردار بوده و بتوانند در سایه حکومت اسلامی به خواست‌های مشروع خود دست یابند و در مسیر سعادت و رستگاری سیر نموده و به کمال مطلوب برسند، بر این اساس در متون اسلامی توصیه‌های فراوانی به کارگزاران و

مسئولان حکومتی شده است که در همه جنبه‌ها و زمینه‌ها حرمت و منزلت انسان‌ها و حقوق مردم را به طور کامل رعایت نمایند و از هرگونه بی‌توجهی، تعدی و ظلم به مردم اجتناب نمایند (میر تاج‌الدینی، ۳۷۶: ۹۱).

در آن عصری که اساس جوامع بر نظام طبقاتی و تبعیض نژادی استوار بود و فقط نژاد خاصی حاکمیت داشت، زنده به گور کردن دختران افتخار محسوب می‌شد (نحل، آیات ۵۸ و ۵۹)، زنان از حقوق خود محروم بودند، از آزادی و مساوات حرفی نبود، کرامت و شرافت انسانی زیر سؤال بود، خون‌ها به ناحق ریخته می‌شد (نهج البلاغه، خطبه ۲۶) و بالاخره مقاومت در برابر زورمندان ناممکن بود؛ خورشید هدایتگر اسلام طلوع نمود و با ارائه اصیل‌ترین شعار انسان دوستانه و با هدف ریشه‌کن نمودن مایه‌های تجاوز، فرمود:

«لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ: نه ستم کنید و نه ستم پذیرید.» (بقره، آیه ۲۷۹)

بررسی و مطالعه تغییر و تحولات حقوق بشر در دوران حیات پربرکت پیامبر اعظم (ص)، بیانگر یک تحول عظیم و انقلابی با ارزش در زمینه مسائل حقوق بشر می‌باشد که در تاریخ بشر نمی‌توان نظیر آن را مشاهده کرد.

احترامی که پیامبر اعظم (ص) برای انسان‌ها از هر عقیده و مرام، رنگ و نژاد و طبقه اجتماعی قائل بود، شخصیتی که به زنان با تقیح اعمال جاهلی و نگاه ابزاری به زن به ویژه زنده به گور کردن دختران داد و مخالفتی که در تحقیر و تبعیض و ستم نسبت به انسان‌های مظلوم و محروم نشان داد، از جمله مواردی است که در تاریخ حقوق بشر کم نظیر است. وقتی رسول مکرم اسلام (ص) در برابر جنازه یک یهودی از جا بلند می‌شود و در بدو ورود به مدینه با تیره‌های مختلف در مدینه، اعم از؛ اعراب، یهودیان و مسیحیان پیمان‌نامه امضاء می‌کند - که آن را "نخستین قانون اساسی" خوانده‌اند - و در آن امنیت، آسایش و آرامش و سعادت و خوشبختی را از حقوق مسلم انسان‌ها برمی‌شمارد (شهیدی، ۱۳۸۲: ۶۳)، یاران و اصحاب خود را به آزادی و اظهار نظر حتی در برابر نقطه نظرات خود ترغیب می‌کند و در کنار آن‌ها بدون تکلف و ساده می‌نشیند و اصل برابری و مساوات در مقابل قانون و محاکم حتی در مورد خویش را رعایت می‌کند، در واقع نشان از چیست؟ آیا این رفتار و کردار پیامبر اعظم (ص) تصویری از تعالی حقوق بشر در تاریخ و حقوق بشر در عصر خود آن حضرت نیست؟

در واقع، اسلام هدفش ساختن همه انسان‌ها و هدایت آن‌ها در طریق سعادت، خوشبختی و کمال است و برایش فرقی نمی‌کند که این انسان کجای زمین سکونت دارد، چه رنگی است، از کدام نژاد و ملت است. چنانکه پیامبر بزرگ اسلام (ص) با قاطعیت اعلام داشتند:

« ای مردم خداوند در پرتو اسلام افتخارات دوران جاهلیت و مباهات به وسیله انساب را از میان شما برداشت، همگی از آدم به وجود آمده‌اید و او نیز از گل آفریده شده است. بهترین مردم کسی است که از گناه و نافرمانی چشم‌پوشد. همه مردم در روزگار گذشته و حال، مانند دندان‌های شانه مساوی و برابرند و عرب بر عجم و سرخ بر سیاه برتری ندارد. ملاک فضیلت تقوی و پرهیزگاری است.» (به نقل از سبحانی، ۱۳۷۴: ۳۴۲-۳۴۰)

امیرالمومنین حضرت علی (ع) نیز با تبعیت از رسول اعظم (ص) برای انسان‌ها ارزش فوق‌العاده‌ای قائل بوده‌اند. به طوری که در برابر حقوق اساسی و اجتماعی آنان سخت پرتلاش و حساس، و خود را متعهد به مهیا کردن بسترها و زمینه‌های لازم برای تأمین حقوق آن‌ها می‌دانسته‌اند. چنان که در فرمان تاریخی آن حضرت خطاب به استاندار خود مالک اشتر، بیشترین توصیه‌ها و سفارش‌ها در حق مردم می‌باشد. در این فرمان بیش از ۳۰ مورد به صورت‌های گوناگون ذکری از مردم به میان آمده و توصیه‌هایی درباره آن‌ها شده است و واژه‌هایی از قبیل «ناس»، «رعیت»، «عامه»، «عبادالله» و غیره به طور متعدد در این نامه تکرار شده که حاکی از اهمیتی است که امیرالمومنان (ع) در نظام حکومتی به مردم داده است (میرتاج الدینی، ۱۳۷۶: ۹۲). در فرازی از این فرمان آمده است:

«وَأَشْعُرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَفْرَطُ مِنْهُمْ الزَّلُّ وَتَعْرَضُ لَهُمُ الْعِلَلُ وَيُؤْتَى عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَالْخَطِ فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ» (نهج البلاغه، فرازی از نامه ۵۳)

«مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته‌ای دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند. اگر گناهی از آنان سر می‌زند، یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای.»

در واقع، سیره پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) نشان می‌دهد که در حکومت اسلامی، نه تنها حقوق انسان‌ها به بالاترین شکل؛ چون با ایجاد بستر مناسب برای مشارکت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، تأمین خواسته‌های مشروع و دفاع از حقوق

اساسی و عمومی آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد، بلکه پیشوایان دین با ارائه راهکارهای عملی، تامین حقوق اساسی آنان را در حکومت اسلامی به بهترین شکل تضمین می‌کردند. چنانکه نبی مکرم اسلام (ص) بلال حبشی را که غلام آزاد شده‌ای بود به عنوان مؤذن انتخاب می‌کند و موقعی که به جنگ با دشمنان به بیرون از مدینه می‌رفتند او را والی قرار می‌دادند (قربانی، ۱۳۶۷: ۱۵۱)، یعنی اصل عدم تبعیض. امام علی (ع) نیز به عنوان رهبر جامعه اسلامی حاضر می‌شود با یک یهودی که با او، هم آیین نیست و از جهت معنوی هم با او قابل مقایسه نمی‌باشد، در مقابل قاضی دادگاه اسلامی بایستد (علیخانی، ۱۳۷۹: ۵۴)، یعنی اصل برابری همگان در مقابل قانون. و یا اینکه در دوران حکومت آن حضرت (ع) هنگامی که حضرت پیرمرد از کار افتاده نابینایی را می‌بیند که از مردم تقاضای کمک می‌کند و از حالش جويا می‌شود و می‌گویند نصرانی است؛ آثار خشم در چهره‌اش آشکار می‌گردد و فریاد بر می‌آورد: او تا جوان بود به کارش کشیدند اکنون که پیر شده و ناتوان گشته وی را به حال خود رها کرده و از احسان و کمک محروم می‌نمایید. آنگاه این دستور را صادر می‌فرماید: انفقوا علیه من بیت المال: برای وی از بیت‌المال مستمری قرار دهید (عمیدزنجایی، ۱۳۶۸: ۵۶۰)، یعنی حق برخورداری از رفاه اجتماعی.

### بند اول: آشنایی با مالک و منشور حکومتی او

یکی از نخبه‌ترین یاران امام علی (ع) مالک اشتر است که می‌تواند الگویی والا برای جامعه اسلامی باشد. زیرا او همواره در راه جهاد فی سبیل الله و پیروی از رهبری از هیچ کوششی دریغ نورزید.

#### ۱. مالک اشتر کیست؟

مالک در سرزمین «یمن» و در روستای «بیشه» چشم به دنیا گشود. از قبیله «مذحج» بود و بعدها به مالک اشتر معروف شد. علت اینکه به اشتر گفتند این بود که در یکی از جنگ‌ها بر اثر ضرباتی که از ناحیه دشمن به او رسید، پلک‌های چشم او شکافته شد و کسی که چشم‌های او اینگونه صدمه ببیند، به زبان عربی گفته می‌شود "شتر عینه" از این رو اشتر گفتند (دهقان، ۱۳۸۷: ۱۱-۷). او مردی شجاع، رئیس قبیله، و از بزرگان شیعه و سخت‌دوستدار امیر مؤمنان و یاور او بود. مالک پس از رحلت پیامبر (ص) برای نبرد با سپاه رومیان که به مبارزه با اسلام برخاسته بودند وارد سپاه اسلام شد و همراه با آن‌ها در

یکی از نواحی شام به نام «یرموک» با دشمن به نبرد پرداخت، در آنجا بود که شایستگی خود را آشکار ساخت. پس از به خلافت رسیدن حضرت علی (ع) نخستین کسی که با حضرت بیعت کرد، «مالک اشتر» بود. در جنگ جمل و صفین لیاقت و شجاعت او شهره شد (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۶۵). چنانکه امام علی (ع) در پاسخ به اعتراض یاران بی بصیرت خود که می گفتند: مالک سخن شما را نمی پذیرد و به جنگ ادامه می دهد، فرمودند: آنچه شما گفتید که مالک دستور مرا مورد توجه قرار نداده است، نه، مالک از کسانی نیست که به سخن من بی اعتنایی کند و از این جهت بر او بیمناک نیستم. کاش در میان شما دو نفر همانند مالک پیدا می شد، نه، کاش در میان شما یک نفر همانند او می یافتم که نظر او در مورد دشمنان من، همچون نظر مالک بود (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق: ۵۴۷).

مالک اشتر از طرف امام علی به عنوان استاندار مصر به آن سرزمین روانه شد. اما قبل از اینکه به مصر برسد، در میانه راه به وسیله مأموران معاویه که از رسیدن او به مصر وحشت داشتند، مسموم شد و به شهادت رسید. شهادت وی در سال ۳۸ هجری بود. امام علی (ع) درباره او فرمود: «مالک اشتر برای من چنان بود که من برای رسول خدا (ص) بودم» (قمی، ۱۳۷۱: ۲۵۷). توجه در همین عبارت کوتاه، اما پر محتوای امام علی (ع) نشان می دهد که مالک دارای چه مقام و مرتبت عظیم و بی نظیری است که امام معصوم چنین تعبیری را از ایشان دارند.

## ۲. عهدنامه مالک اشتر

حدود یک هزار سال پیش یکی از شیفتگان امیر المومنین حضرت علی (ع) به نام «سید رضی» گفته‌ها و نوشته‌های آن حضرت را در قالب مجموعه‌ای بنام «نهج البلاغه» جمع آوری و تدوین نموده است. این اثر ارزشمند از سه بخش، تحت عناوین: خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار تشکیل شده است.

در این کتاب پر ارج و بی مانند، بیش از صدها اثر شگفت انگیز از آثار اندیشه‌های والا و سترگ علی (ع) اعم از خطبه، حدیث، نامه، وصیت نامه، موعظه، کلمات قصار، فرمان‌های حکومتی، تفسیر آیات قرآن و صدها دستور انسان ساز و قوانین زندگی بخش در کنار هم قرار گرفته و چون گردآورنده، بیشتر از دیدگاه بلاغت و شیوایی بی نظیر سخنان مولا به این آثار نگریسته و تنها از این زاویه به تدوین سخنان آن حضرت پرداخته، نامش را نیز نهج البلاغه (راه بلاغت) گذاشته است (فاضل لنکرانی، ۱۳۶۶: ۲۶).

یکی از فصول درخشان نهج البلاغه که همچون سایر مباحث آن رنگ جاودانگی خورده

و به ابدیت پیوسته است، "عهدنامه مالک اشتر" یا "منشور حکومتی امام علی (ع)" به یار وفادار و صحابی بزرگوارش "مالک اشتر نخعی" است. امام علی (ع) این منشور را که از چهارده قرن پیش تاکنون، به صورت یک منشور جاودانه و انسانی و انسان ساز در تاریخ و فرهنگ اسلامی باقی مانده است، هنگامی برای سردار رشید اسلام و یار پاکبازش مالک اشتر نوشت که وی مأمور حرکت به سوی سرزمین مصر ساخته بود و آن شهید پاکبخته می رفت تا در آن سرزمین دور دست، احکام و اوامر مولایش علی (ع) را که احکام الهی اسلام است، پیاده و اجرا کند (همان، ۲۷). در این نامه تاریخی، بیشترین توصیه‌ها و سفارش‌های آن حضرت، در رعایت حقوق انسان‌ها است، در این منشور بیش از ۳۰ مورد به صورت‌های مختلف ذکری از مردم به میان آمده و توصیه‌هایی درباره آن‌ها شده است و واژه‌هایی از قبیل «ناس»، «رعیت»، «عامه»، «عبادالله» و غیره به طور متعدد در این نامه تکرار شده که حاکی از اهمیتی است که امیرمومنان (ع) در نظام حکومتی به انسان‌ها داده است.

### بند دوم: حقوق بنیادین بشر در عهدنامه

همانگونه که اشاره رفت، یکی از فصول درخشان نهج البلاغه که همچون سایر مباحث آن رنگ جاودانگی خورده و به ابدیت پیوسته، "عهدنامه مالک اشتر" است. امام علی (ع) در این نامه گرچه مالک اشتر را مخاطب قرارداده و قوانین حکومت عدل اسلامی و خط مشی و چهار چوب آن را خطاب به او بیان فرموده است، اما واقعیت آن است که تمام انسان‌ها، در تمام مکان‌ها و تمام زمان‌ها مخاطب این پیمان نامه هستند. در آن تکلیف تمامی افراد بشر، چه به عنوان یک بنده و مخلوق در برابر پروردگار، چه به عنوان حاکمی که مسئول اجرای احکام اسلامی است و چه به عنوان فردی که تحت حمایت قوانین نجاتبخش اسلام زندگی می کند، به وضوح و دقت روشن شده است. سفارش‌هایی که آن حضرت در این نامه خطاب به مالک اشتر و در واقع خطاب به انسان و تاریخ بشریت بیان فرموده است، هرگاه به درستی و به طور کامل اجرا شود، نه تنها ضامن ایجاد و حفظ عدالت اجتماعی و امنیت زندگی و آرامش خاطر و آسایش مردم جامعه است، بلکه بالاتر از آن، عامل مهمی است که در جامعه انسانی، زمینه‌های مساعدی را ایجاد می کند تا تمام افراد اجتماع، با علم و آگاهی و درک و ایمان، به خود سازی اسلامی بپردازند و چنان خود را از رذایل و مفسد پیراسته گردانند که همگی به صورت بندگانی مؤمن و صالح برای خدا درآیند و راه نجات و رستگاری را طی کنند (میرتاج الدینی، ۱۳۷۶: ۲۸).

## ۱. حق حیات

حق حیات، مهم ترین حقی است که هر انسانی باید از آن برخوردار باشد. در بسیاری از متون علمی از آن به حق عالی<sup>۲</sup> تعبیر شده است. (Alex, 2004: 85).  
حق حیات نخستین حق انسانی و پایه بقیه حقوق به شمار می رود (Human Rights Committee – General Comments 6). اصولاً دیگر حق های پیش بینی شده در اسناد بین المللی حقوق بشر؛ مانند حق آزادی، حق تعیین سرنوشت، حق کار، حق بهداشت، حق مسکن مناسب و... متوقف بر حق حیات است. اهمیت این حق تا به آنجا است که حتی در شرایط اضطراری نیز نمی توان آن را نادیده گرفت (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸: ۴۹).

قرآن کریم نخستین حقی را که برای انسان برشمرده، حق حیات است. حیات خود، دو گونه است: مادی و معنوی. هیچ کس مجاز نیست حق حیات مادی و معنوی دیگران را سلب کند. سلب حق حیات مادی با قتل تحقق می یابد. در دیدگاه قرآن، این کار برابر است با نابود سازی همه جامعه، مگر آنکه با دلیل درستی صورت پذیرد:

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده، آیه ۳۲)

«هر کس دیگری را جز برای قصاص یا مبارزه با فسادگری بکشد، گویا همه مردم را کشته است.»

سلب حق حیات معنوی به وسیله گمراه سازی صورت می پذیرد. کسی که دیگران را به هر طریق گمراه می کند، حیات معنوی آنان را از میان می برد<sup>۳</sup>. البته از دست دادن حیات معنوی، به معنای گم کردن سعادت و فلاح است و گرنه هیچ گاه روح انسان از بین نخواهد رفت (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۷۶-۱۷۵). بنابراین از آنجایی که حیات، عطیه الهی است که خداوند منان به انسان بخشیده است (حج، آیه ۶۶ و حجر آیه ۲۳)، پس همگان وظیفه دارند حق حیات را محترم شمرده و نه تنها نسبت به آن تجاوزی صورت ندهند، بلکه در حفظ حیات دیگران نیز تلاش داشته باشند.

وقتی به کلام قرآن ناطق، یعنی امام علی بن ابیطالب (ع) مراجعه می کنیم، می بینیم که

1. Rights to life
2. Supreme Right

۳. فتنه مصداقی از تجاوز به حیات معنوی جامعه و اعتقادات دینی مردم است. از این رو، از قتل بزرگتر و شدیدتر معرفی شده است. (سوره بقره آیه ۱۹۱ و ۲۱۷) یکی از برجسته ترین مصداق های فتنه، ترویج اندیشه های انحرافی و تبلیغ زشتی ها و مفساد اخلاقی و اجتماعی است.



همین بیان قرآن کریم - کشتن یک فرد در حکم کشتن همه انسان‌ها و احیای یک فرد در حکم احیای همه انسان‌ها - به گونه ای دیگر در نامه تاریخی خطاب به مالک اشتر تبلور یافته است:

«إِيَّاكَ وَالِدَّمَاءَ وَ سَفَكَهَا بَعِيرِ حِلْهَا، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى لِنَقْمِهِ، وَلَا أَعْظَمَ لَتَبَعِهِ، وَلَا أُخْرَى بَزْوَالِ نَعْمِهِ، وَأَنْقِطَاعِ مُدَّةِ، مِنْ سَفَكِ الدِّمَاءِ بَعِيرِ حَقِّهَا. وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ مُتَبَدِّئُ بِالْحُكْمِ بَيْنَ الْعِبَادِ فِيمَا تَسَافَكُوا مِنَ الدِّمَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَلَا تُقْوِينَ سُلْطَانَكَ بِسَفَكِ دَمٍ حَرَامٍ. فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُضَعْفُهُ وَيُوهِنُهُ، بَلْ يُزِيلُهُ وَيَنْقُلُهُ. وَلَا عُذْرَ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ وَلَا عِنْدِي فِي قَتْلِ الْعَمْدِ، لِأَنَّ فِيهِ قَوَدَ الْبَدَنِ» (نهج البلاغه، فرازی از نامه ۵۳)

« از خونریزی پرهیز، و از خون ناحق پروا کن، که هیچ چیز همانند خون ناحق کیفر الهی را، نزدیک مجازات را بزرگ نمی کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی گرداند و از روز قیامت خدای سبحان قبل از رسیدگی اعمال بندگان، نسبت به خون‌های ناحق ریخته شده، داوری خواهد کرد، پس با ریختن خونی حرام، حکومت خود را تقویت مکن. زیرا خون ناحق، پایه‌های حکومت را سست و پست می کند و بنیاد آن را برکنده به دیگری منتقل می سازد، و تونه در نزد من و نه در پیشگاه خداوند، عذری در خون ناحق نخواهی داشت. چرا که کیفر آن قصاص است و از آن گریزی نیست.»

از این بیان گهربار امیرالمؤمنین امام علی (ع) دو نکته اساسی روشن می شود:

۱- از دیدگاه امام علی (ع) بزرگ ترین اثر وضعی خون ریزی ناحق، زوال قدرت و از بین رفتن دولت و حکومت است. تاریخ ستمشاهی منحوس دودمان پهلوی، بهترین گواه این بینش علوی است و همه امت اسلامی ایران مشاهده کردند که چگونه دودمان کثیف پهلوی به واسطه خون ریزی و خونخواری‌ها به زباله دانی تاریخ انداخته شد و نامی جز ننگ و نفرت برای شان باقی نماند.

۲- مدعیان دروغین حقوق بشر مسئله « قصاص » را که به تعبیر قرآن حیات و زندگی مسالمت آمیز انسان‌ها در سایه اجرای آن تحقق پیدا می کند، جایز نمی دانند و می گویند قصاص با « حقوق بشر » سازگار نیست و بر همین اساس، سعی می کنند به جهان و

۱. وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (حکم قصاص برای حفظ حیات شماست.)، سوره بقره، آیه ۱۷۹

جهانیان القاء کنند که در ایران اسلامی «حقوق بشر» رعایت نمی شود. اما به راستی آن‌ها از کدام حقوق و کلام بشر حرف می زنند؟ اگر کسی را که بی رحمانه مردم بی گناه را به خون و آتش می کشد و آن‌ها را کشتار می کند، «بشر» بدانیم، پس آن بی گناهی که در آتش اینان می سوزند حقوق بشری و انسانی شان کجاست؟ اگر به قصاص راندن قاتل ده‌ها انسان بی گناه و پاکیزه ساختن جامعه از عفونت وجود او عملی وحشیانه و غیر انسانی است، پس به راستی کشتار زن و مرد سالخورده و طفل بی گناهی که حتی نمی دانند قاتل شان کیست و از این کشتار بی رحمانه چه هدفی دارد، چگونه قابل توجیه است؟ آیا عمل خونخوارانه چنین موجود بی رحم و جنایت پیشه ای، وحشیانه و غیر انسانی نیست؟ آیا قربانیان او ارزش انسانی و حقوق بشری ندارند و تنها آن قاتل بی رحم از مواهب «حقوق بشری» مورد نظر ابرقدرت‌ها برخوردار است؟ بر این مبنا است که امام علی(ع) با الهام از قرآن کریم اجرای «قصاص» را لازم و ضروری و حیاتی می شناسد و از نزدیک ترین کسانش (حتی اگر مالک اشتر باشد) نمی گذرد (فاصل لُنکرانی، ۱۳۶۶: ۱۹۵-۱۹۶). نتیجه آنکه، حیات در منظر امام علی(ع) حقی اصیل و بنیادی است که با تمام وجود بایستی آن را حفظ نمود.

## ۲. حق کرامت انسانی

انسان موجودی است دارای کرامت ذاتی که از آفریدگار خویش به ارمغان گرفته است و این کرامت، از نخستین روزهای تکوین و شروع رشد وی به سمت انسان کامل شدن با او همزاد و همراه شده و تا هنگامی که خود را از شایستگی این کرامت محروم نکرده است، جاودانه خواهد ماند. (عمیدزنجانی، ۱۳۸۸: ۱۷۶)

کرامت در کتاب لغت دهخدا دارای معانی مختلفی است، از جمله به معنی ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، منزلت، جایگاه و.. است. معادل انگلیسی واژه کرامت انسانی «Human Dignity» است. در کتاب لغت حقوقی بلاک، کرامت به معنای شرف، افتخار، احترام، امتیاز، مقام و رتبه و شرافت برجسته (Campbell, 1968: 456) و در دایره المعارف انگلیسی آکسفورد چنین معنایی ذکر شده است. (The Oxford Encyclopedic, 1996: 398). در اصطلاح، «کرامت انسانی حقی است ذاتی که همه افراد انسانی از آن برخوردارند، مادامی که خود انسان آن کرامت و حیثیت را به جهت جنایت و خیانت بر خویشتن یا بر دیگران از خود سلب نکند، دیگران مکلف به مراعات این حق هستند» (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۲۵). بنابراین،

کرامت انسانی یک امر ذاتی است که انسان به مقتضای طبیعت و ماهیتی که دارد، از آن برخوردار است. (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۶۹) به همین جهت افراد حق دارند که کرامت ذاتی آنان مورد احترام واقع شود.<sup>۱</sup>

حق کرامت انسانی علاوه بر آنکه در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر به آن اشاره شده، بلکه در ماده ۱ نیز بر آن چنین تصریح شده است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.»

برای شناخت حق کرامت انسانی، نخست باید معنای کرامت را مطرح کنیم و آن عبارت است از: پاک بودن از آلودگی‌ها و عزت و شرف و کمال مخصوص به آن موجود که کرامت به او نسبت داده می شود (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۲۳).

در دین اسلام، دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده است که عبارتند از (همان: ۲۲۴):  
۱- کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها، مادامی که با اختیار خود- به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشتن و بر دیگران- آن کرامت را خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند. در این باره قرآن کریم می فرماید:

« وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا. » (اسراء، آیه ۷۰)

«و ما تحقیقاً فرزندان آدم را تکریم نموده ایم و آنان را در خشکی و دریا به حرکت درآوردیم و از مواد پاکیزه بر آنان روزی مقرر ساخته ایم و آنان را بر بسیاری از موجوداتی که آفریدیم برتری دادیم.»

۲- کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می گردد. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسانی مربوط به همین کرامت است.

منشأ این کرامت ذاتی عبارت است از رابطه بسیار مهم و با ارزش خداوندی با انسان، که از آیه شریفه « وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي » (حجر، آیه ۲۹) و در او (انسان) از روح خود

۱. حق احترام به کرامت انسانی به این معنا است که اولاً، با انسان به عنوان فردی که به گروه انسانی تعلق دارد رفتار شود؛ یعنی فردی که دارای استعدادها و قابلیت‌های خاص انسانی است؛ ثانیاً، در مقابل مداخلات خودسرانه ای که شرایط و اوضاع و احوال اساسی لازم برای رشد و نمو انسانی را به هم می زند حمایت شود و ثالثاً، تامین شرایط و اوضاع و احوال مناسب برای رشد شخصیت انسانی او و به فعلیت رساندن استعدادها و ظرفیت‌های انسانی حق اوست. ر.ک:

Beylaved, Deryck and Brownsword, R, Human Dignity in Bioethics and Biolaw, first published Oxford University press, 2001, P. 14.

دمیدم.» استفاده می شود که با این تکریم بسیار با عظمت، او را شایسته سجده فرشتگان فرمود. بر مبنای کلام وحی، این کرامت، صرفاً بر پایه تقوا به دست می آید، چنانکه فرموده است:

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىٰكُمْ » (حجرات، آیه ۱۳)

«ای مردم ما شما را از یک پدر و مادر آفریدیم و شما را ملت و قبایل مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شما است.»

بنابراین از دیدگاه اسلام، کرامت برای انسان نه تنها حق است که تکلیف نیز هست، یعنی نه تنها دیگران حق ندارند به کرامت او آسیب رسانند، بلکه خودش نیز حق گذشتن از کرامت خویش را ندارد و نمی تواند به ذلت و خواری تن در دهد (فلسفه حقوق، ۱۳۷۷: ۲۵۵).

مولای متقیان امام علی (ع) در منشور حکومتی خطاب به مالک اشتر عبارت دستوری را صادر فرمودند که مقتضای توجه اولیه به کرامت و حیثیت انسانی است:

«وَأَشْعِرُ قَبْلَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَالطُّفَّ بِهَمَّ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا (ضارباً) تَغْتَمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: أَمَا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ، أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ.» (نهج البلاغه، فرازی از نامه ۵۳)

«[مالک!] مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار بده، و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته اند، دسته ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می باشند (هم نوع تو هستند).»

امام علی (ع) در این پیام، با تقسیم بندی مردمان تحت حاکمیت نظام اسلامی، به مالک هشدار می دهد که ای مالک:

۱. همه افراد جامعه را بایستی به طور مساوی نگرستی و حقوق آنان را بدون هیچ گونه تبعیض و به طور یکسان و برابر در اختیار آنان قرار داد.
۲. آنان در کنار حق حیات، دارای یک حقوق ارزشمند دیگری هستند و آن کرامت انسانی، منزلت و شرافت انسانی است، لذا در تضمین این حق انسانی کوشا باش.
۳. از هر گونه رفتار و کرداری که موجب اهانت و هتک حرمت، پایمال و

مخدوش شدن حیثیت و کرامت والای انسانی می شود، دوری کن.  
۴. باید در روابط اجتماعی با مردم، رفتاری کریمانه با هدف بزرگ داشت  
انسانیت مردم داشت، نه شرایط دیگری چون دین و مذهب، چنان که واژه  
«الرَّعِيَّةُ» (مردم) شامل مسلمان و غیرمسلمان می شود.  
۵. نهی امام از اینکه حاکم نباید درنده خو باشد، به این نکته اشاره دارد که  
تجاوز به حقوق دیگران، انسان را از مقام انسانیت دور می کند و در ردیف  
حیوانات قرار می دهد.

### ۳. حق آزادی

یکی از عالی ترین ارزش های انسانی و گوهر گرانبهایی که خداوند متعال به انسان  
ارزانی داشت، آزادی<sup>۱</sup> است. انسان به آزادی عشق می ورزد و به آن بسیار علاقمند است.  
شاید به آن اندازه که به آزادی علاقه دارد، به چیز دیگری این قدر علاقه نداشته باشد؛ چرا  
که آزادی ریشه در فطرت انسانی دارد، به همین دلیل است که با محدود کننده آن سخت  
متنفر و بیزار بوده و به جد به دنبال دستیابی آن است. استاد شهید مرتضی مطهری در  
این باره می نویسد: «بالاترین نعمت ها آزادی است و تلخ ترین دردها و ناکامی ها احساس  
مقوریت است، یعنی این که انسان، شخصیت خود را لگدکوب شده و آزادی خود را به  
تاراج رفته بیند و خود را در برابر دیگری مانند گوسفند در اختیار چوپان مشاهده کند و  
خواب و خوراک و موت و حیات خویش را دست اقتدار او ببیند.» (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۹)  
دین اسلام در سرفصل اهداف خود، مبشر آزادی برای انسان های در بند است، چنان که  
در قرآن کریم فرموده است:

« وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ » (اعراف، آیه ۱۵۷)  
«پیامبر، بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود، از دوش و گردنشان  
بر می دارد.»

امام علی (ع) نیز آزادی را ودیعه الهی برای انسان ها که باعث تشخیص و منزلت افراد می  
شود می داند تا از هرگونه ضعف و زبونی رها گردد. چنانچه فرموده است:

« لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا » (نهج البلاغه، فرازی از نامه ۵۳)

۱. آزادی (freedom) یعنی: استقلال و رهایی فرد از جلوگیری و ممانعت هایی که بوسیله دیگر افراد، گروه ها، حکومت، جامعه و  
یا اوضاع محدود کننده (که برای محدودیت سیاسی، فکری یا عملی) وضع شده باشد.

« بنده (برده) دیگری مباش که خدا تورا آزاد آفرید. »

از اساسی ترین آزادی، که بلافاصله بعد از شنیدن کلمه آزادی در ذهن هر فرد متبلور می‌شود، آزادی بیان<sup>۱</sup> است که در مجموعه حقوق بشر بسیار مورد توجه قرار گرفته است (Human Rights Committee, General Comments 10 and General Comments 18).

آزادی بیان مفهوم موسع تر و شامل تری نسبت به آزادی سخن گفتن<sup>۲</sup> دارد. در یک تعریف موسع، بیان عبارت از طریقه ای است که انسان‌ها به وسیله آن دیدگاه‌ها و یا به عبارت دیگر اندیشه خود را به دیگران منتقل می‌کنند، خواه این دیدگاه و اندیشه یک دیدگاه و اندیشه سیاسی، اجتماعی و یا حتی صرفاً یک ایده هنری باشد (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۱۷). افکار و اندیشه آدمی از طریق گفتن و نوشتن به دیگران منتقل می‌شود، وقتی فکر و اندیشه آزاد باشد، وسیله انتقال فکر نیز آزاد خواهد بود، اما در مقابل اگر فکر آزاد نباشد، وسیله انتقال آن نیز آزاد نخواهد بود، از این رو، این قسم از آزادی اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چنانکه در قرآن کریم آمده است:

« فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ  
وَ أُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ. » (زمر، آیات ۱۸-۱۷)

« بشارت ده به آنان که سخن را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌نمایند.

اینان کسانی هستند که خداوند هدایتشان فرموده و اینان همان خردمندانند.»

در واقع، این آیه شریفه از آزادی بیان تجلیل دارد، چرا که انتخاب و پیروی از گفتار، در جایی ممکن است که آزادی گفتار وجود داشته باشد، تا در مقایسه با یکدیگر بهترین سخنان مشخص و پیروی گردد.

امام علی (ع) در دوران حکومت خود نه تنها آزادی بیان را محدود نکرد، بلکه با صراحت بر گسترش و توسعه آن تأکید نمودند، چنانکه در یکی از سخنرانی‌های خودشان خطاب به مردم می‌فرمایند:

« .. فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُ بِهِ الْجَبَّارُ، وَلَا تَتَحَفَّظُوا مِنِّي بِمَا يَتَحَفَّظُ بِهِ عِنْدَ  
أَهْلِ الْبَادِرَةِ، وَلَا تُخَالِطُونِي بِالْمَصَانِعِ، وَلَا تَتَّظِنُوا بِي اسْتِقْطَالًا فِي حَقِّ قِيلِ لِي،  
.. فَلَا تَكْفُوا عَنِّ مَقَالَةَ بِحَقِّ، أَوْ مَشُورَةَ بَعْدَلٍ، .. » ( نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶ )

1. Freedom of Expression  
2. Freedom of Speech

« پس با من چنانکه با پادشاهان سرکش (جباران) سخن می گویند، حرف زنید، و از من پنهان مدارید آنچه را از مردم خشمگین به هنگام خشم شان پنهان می دارند، و با ظاهر سازی با من رفتار نکنید، و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید. ..، بنابراین، از گفتن سخن حق و یا مشورت در عدالت خودداری نکنید. ..»

بر پایه چنین بینشی است که خطاب به استاندار خود مالک اشتر می نویسد:

« وَاعْلَمْ: أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ بِأَدْعَى أَلِي حُسْنِ ظَنِّ رَاعٍ بِرِعْيَتِهِ مِنْ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِمْ، .. وَتَرَكِ اسْتِكْرَاهِهِ إِيَّاهُمْ عَلَى مَا لَيْسَ لَهُ قَبْلَهُمْ. » (نهج البلاغه، فرازی از نامه ۵۳)

« بدان ای مالک، هیچ وسیله ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکوکاری به مردم، . . . و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند نمی باشد.»

یا اینکه در فرازی دیگر می فرماید:

« .. وَلَا تَقُولَنَّ: إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَأَطَاعُ، فَإِنَّ ذَلِكَ إِدْغَالٌ فِي الْقَلْبِ، وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ، وَتَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْرِ. » (نهج البلاغه، فرازی از نامه ۵۳)

« به مردم نگو، به من فرمان دادند و من نیز فرمان می دهم، پس باید اطاعت شود؛ که اینگونه خود بزرگ بینی دل را فاسد، و دین را پزمرده و موجب زوال نعمت هاست.»

در واقع، در این فرازها، امیرالمومنین، مالک را از شیوه های حکومت های استبدادی و دیکتاتوری که طومار آزادی و دموکراسی در آن پیچیده شده، برحذر می دارند و تأکید می کنند که این چنین شیوه حکومتی باعث از بین رفتن اساس دین، سعادت و آزادی مردم خواهد شد. بنابراین، ای مالک شرایطی را فراهم ساز که همه مردم بدون اجبار و آزادانه، نظرات شان را ارائه نموده و از آن ها بخواه که از اظهار نظر صریح و بیان سخن حق دریغ نورزند، چنان که مجدداً چنین تأکید می کنند:

« ثُمَّ لَيْكُنْ أَثَرُ هُمْ عِنْدَكَ أَقْوَلُهُمْ بِمُرِّ الْحَقِّ لَكَ، وَ أَقَلَّهُمْ مُسَاعَدَةَ فِيمَا يَكُونُ مِنْكَ مِمَّا كَرِهَ اللَّهُ لِأَوْلِيَائِهِ، وَاقِعاً ذَلِكَ مِنْ هَوَاكَ حَيْثُ وَقَعَ. » (نهج البلاغه، فرازی از نامه ۵۳)

« .. و آن کس را بر دیگران برگزین که در حق گویی از همه صریح ترند

[سخن تلخ حق را به تو بیشتر گوید] و در آنچه را که خدا برای دوستانش

نمی پسندد تو را مددکار نباشند، چه خوشایند تو باشد یا ناخوشایند.»

فراهم آوردن فضایی توأم با امنیت در حکومت امام علی(ع) که همگان بتوانند آزادانه حرف خود را بزنند، یک اصل است، لذا در همه حال به کارگزاران خویش توصیه می کردند تا مبادا از به وجود آوردن چنین فضایی غافل شوند، چنانکه خطاب به مالک اشتر فرموده است:

« وَأَجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ، وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا فَتَتَوَّضِعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ، وَتُقْعِدَ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَ أَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَ شُرَطِكَ، حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَتَعِّعٍ» (نهج البلاغه، فرازی از نامه ۵۳)

« ای مالک! بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی، و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راه شان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند.»

این تأکیدات امام علی(ع) به مالک اشتر نه تنها درباره آزادی بیان است، بلکه شامل آزادی عقیده نیز می باشد. آزادی عقیده عبارت از این است که افراد بتوانند به انتخاب خود در هر زمینه ای اشتغال ذهنی داشته باشند، خواه این اشتغال امر باطنی و دورنی و خواه به صورت موضع گیری عمومی باشد، یعنی آن که هر کس بتواند، به دور از هر تحمیل و فشاری، بیندیشد و بدون ترسی، باور خود را بیان نماید(هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۲۱). آنجا که امام علی(ع) می نویسد، «ای مالک! مردم دو دسته اند، دسته ای برادر دینی تو اند، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می باشند (نهج البلاغه، فرازی از نامه ۵۳).» در واقع، حکایت از این دارد که افرادی که در دایره حکومت اسلامی زندگی می نمایند، تنها برادر ایمانی تو نیستند، بلکه افرادی هستند که برادر انسانی تو می باشند. از این منظر، ضرورت دارد حقوق آن‌ها محترم شمرده شده و در امنیت و آرامش مورد حمایت قرار گیرند. یعنی هم در انتخاب مذهب و عقیده و هم در عمل به مناسک و تعالیم مذهبی خود آزادی داشته باشند.

وقتی تاریخ را ورق می زنیم، مشاهده می کنیم که آن حضرت، ۱۴ قرن قبل، نه تنها



آزادی مذهبی و عقیده و حقوق اقلیت‌ها را مورد تأکید قرار دادند، بلکه در عمل نیز آن را به مورد اجرا در آورند. اما در عصر حاضر مدعیان حقوق بشر که داعیه رعایت حقوق تمام افراد انسانی را به طور برابر مطرح می‌کنند، در عمل، نه تنها از رعایت حقوق برابر تمام انسان‌ها خبری نیست، بلکه ذره‌ای ارزش و اهمیت برای اقلیت‌های کشورشان قائل نیستند.

#### ۴. حق برابری و مساوات

یکی از شاخص‌های مهم اعلامیه جهانی حقوق بشر اصل مساوات و برابری انسان‌ها است که در مقدمه اعلامیه و مواد مختلف آن ذکر شده است که در گفتار اول اشاره رفت. هر چند ممکن است افراد از جهات و ابعاد مختلف مساوی یکدیگر باشند، اما هدف اصلی اعلامیه بیان تساوی حقوقی انسان‌ها است، این تساوی حقوقی به دو گونه قابل تصور است.

**الف) تساوی در برابر قانون:** یعنی آنکه همه انسان‌ها، در برابر قانون مساوی باشند و قانون نسبت به حقوق و تکالیف آنان بی‌هیچ امتیاز و تبعیضی اجرا گردد.

**ب) تساوی قانونی:** یعنی آنکه همه انسان‌ها، جدای از ویژگی‌های شخصی، فردی، ملی، تاریخی، نژادی و... دارای حقوق و وظایفی یکسان باشند (فلسفه حقوق، ۱۳۷۷: ۲۶۸).

اصل برابری، عبارت از این است که تمام افراد، دارای حقوق و تکالیف یکسان باشند. زمینه اصلی و اساسی حقوق و آزادی‌های فردی را باید در برابری انسان‌ها یافت. تا وقتی بین افراد مساوات کامل از هر لحاظ برقرار نشود، محال است که در جامعه‌ای عدالت اجتماعی و مساوات و آزادی محقق شود. اختلافات اجتماعی به هر شکلی که باشد راه را برای ظلم و تجاوز و بیدادگری هموار می‌نماید و کلیه اصولی را که زیر پوشش حقوق بشر قرار دارد، ناممکن می‌سازد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۱۶).

بر اساس اندیشه اسلامی همه انسان‌ها از هر قوم و قبیله، نژاد، رنگ و زبانی که باشند به عنوان بنی آدم از یک تبار مشترک برخوردار می‌باشند. چنانچه می‌فرماید:

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً » (نساء، آیه ۱)

« ای مردم بترسید از پروردگار خود آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن، جفت او را خلق کرد و از آن دو تن خلقی بسیار در اطراف

عالم از مرد و زن پراکند.»

پیامبر گرامی‌اش نیز فرمودند:

«الناس کاسنان المشط سواء: یعنی؛ مردم همانند دندان‌های شانه با هم برابرند.» (به نقل از سبحانی، ۱۳۷۴: ۳۴۲)

در این مکتب هیچ کس نمی‌تواند خود را مافوق قانون دانسته، حقوق دیگران را تباه سازد و خویشتن را از کیفر عملش مصون بدارد، بلکه همه در برابر قانون یکسان و مساویند.

در جهان امروز، گرچه کشورهای به اصطلاح مترقی، ادعا می‌کنند که قوانین شان درباره همه طبقات اجتماع به طور یکسان اجرا می‌شود، اما در عمل، برای اجرای این تساوی و برابری هیچ گونه ضمانت اجرایی وجود ندارد. موضوع «واترگیت» که یکی از کثیف‌ترین و بی‌شرمانه‌ترین جرائم دنیایی امروز بود، دیدیم چگونه بازیچه دست آقای «جرالد فورد» قرار گرفت و پرونده کذابی آقای نیکسون به بایگانی سپرده شد!

در اسلام، وقتی رهبر جامعه اسلامی، یعنی امام علی (ع) می‌بیند که زره جنگی شان به سرقت رفته است، حتی وقتی سارقش را پیدا می‌کند و زره مسروقه را به چشم خویش نزد او می‌بیند، به هیچ روی از قدرت خود استفاده نمی‌کند، بلکه همچون یک فرد عادی، برای اقامه دعوی و احقاق حق خود از طریق قانون به قاضی محکمه مراجعه می‌کند و بالاتر از این وقتی می‌بیند که قاضی برای او احترام بیشتری قائل می‌شود و در برخورد خود با امام و سارق، مساوات را رعایت نمی‌کند و خشمگین می‌شود و محکمه را ترک می‌گوید (فاضل لنکرانی، ۱۳۶۶: ۱۸۶). با نگرش به این بینش است که خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

۱۳۴

فصلنامه مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

سال نهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۲

۱- رسوایی واترگیت (Watergate) به وقایعی اطلاق می‌شود که بین سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۷۵ در هتلی به همین نام در واشنگتن اتفاق افتاد که منجر به استیضاح و سپس کناره‌گیری ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا شد. وقایعی که با پیدا شدن یک نوار کاست توسط یک مأمور حراست هتل به طور اتفاقی شروع می‌شود، مشخص می‌کند که افراد وابسته به حزب جمهوری‌خواه به طور مخفیانه به دفتر کمیته ملی حزب دموکرات وارد شده و سپس اسناد و مدارکی را برای اهداف مختلف به سرقت بردند. بعدها مشخص شد که چنین اقداماتی قبلاً مکرراً انجام گرفته بوده‌است و تحقیقات بعدی نشان داد که عمق این گونه فعالیت‌های جاسوسی بسیار گسترده بوده است. پس از آنکه مشخص شد کنگره به استیضاح نیکسون رای خواهد داد، وی در شب ۸ اگوست ۱۹۷۴ از سمت خود کناره‌گیری کرد. نیکسون اولین رئیس‌جمهور آمریکا بود که استعفا کرد. اگرچه استعفای نیکسون، روند استیضاح را متوقف کرد، اما در عین حال به پیگیری‌های قضایی پایان نداد. در جریان رسوایی واترگیت، رئیس‌جمهوری وقت ایالات متحده آمریکا به سه جرم متهم شد: جلوگیری از عدالت، سوء استفاده از قدرت و نهایتاً تحقیر کنگره. در ۸ سپتامبر ۱۹۷۴، جرالد فورد جانشین نیکسون، وی را عفو کرد. (منبع: ویکیپدیا فارسی)

« وَأَلْزَمَ الْحَقَّ مَنْ لَزِمَهُ مِنَ الْقَرِيبِ وَ الْبَعِيدِ، وَكُنْ فِي ذَلِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، وَاقِعًا ذَلِكَ مِنْ قَرَابَتِكَ وَ خَاصَّتِكَ حَيْثُ وَقَعَ، وَابْتِغِ عَاقِبَتَهُ بِمَا يَتَّقُلُ عَلَيْكَ مِنْهُ، فَإِنَّ مَعَبَهُ ذَلِكَ مَحْمُودَةٌ» (نهج البلاغه، فرازی از نامه ۵۳)

« حق را به صاحب حق، هر کس که باشد، نزدیک یا دور، بپرداز، و در این کار شکبیا باش، و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار، گرچه اجرای حق مشکلاتی برای نزدیکانت فراهم آورد، تحمل سنگینی آن را به یاد قیامت بر خود هموار ساز. »

و یا اینکه در فرازی دیگر می فرماید:

« وَأَيَّاكَ وَ إِلسْتِنَارَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أُسْوَةٌ. » (نهج البلاغه، فرازی از نامه ۵۳)

« مبادا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی امتیازی خواهی. »

امام علی (ع) از این طریق به نخبگان و کارگزاران هشدار می دهد که حق ندارند خود را از مردم عادی برتر دانسته و در برابر قانون از حقوق بیشتری برخوردار شوند. لذا همه در مقابل قانون یکسان بوده و از حقوق برابر برخوردار می باشند و در این راستا وابستگی به طبقه خانواده و گروهی خاص، نمی تواند موجب تبعیض و برتری افراد به افراد دیگر شود. نمونه های رفتار عدالت گونه امام علی (ع) در این باره آنقدر زیاد است که در این مجال نمی توان آن را ذکر کرد، اما صرفاً به این نکته اشاره شود که رفتار عدالت گونه آن حضرت نه تنها در مورد مسلمانان انجام می گیرد، بلکه برای افراد یهودی هم اجرا می شود (حرعاملی، ۱۴۲۹ ه.ق: ۴۹).

## نتیجه گیری

بررسی حقوق بشر در تاریخ گذشته نشان می‌دهد که از هزاران سال پیش انسان‌ها به فکر حقوق و تکالیف و مقررات و انجام وظایف خود در برابر یکدیگر بودند، اما آنگونه که اسلام به این مسأله توجه نموده در دیگر مکاتب و اندیشه‌ها به آن چنین توجه‌ای نشده است.

نگاهی اجمالی به منشور حکومتی امام علی (ع) خطاب به استنادار خود یعنی مالک اشتر در حوزه حقوق بشر نشان می‌دهد که حقوق بنیادین بشر در چارچوب منشور حکومتی در مقایسه با حقوقی که تمدن قرن بیستم برای بشر به رسمیت شناخته است، نه تنها نوعی سازگاری وجود دارد، بلکه برتری آن را نمایان می‌کند.

در منشور حکومتی، نه تنها از حقوق بنیادین بشر، یعنی حق حیات، حق کرامت انسانی، حق آزادی، حق برابری و نیز ده‌ها حقوق دیگر چون حق دادخواهی، حق مالکیت، حق امنیت، حق کار و حقوق اقلیت‌ها که امروزه برخی از آن‌ها مفاد بیانیه جهانی حقوق بشر را تشکیل می‌دهند، به روشنی و آگاهانه یاد شده است؛ بلکه امیرالمومنین امام علی (ع) به عنوان رهبر حکومت اسلامی، تصویری از تعالی حقوق بشر در تاریخ و حقوق بشر در عصر خود را به نمایش گذاشته است.

احترامی که امام علی (ع) برای انسان‌ها از هر عقیده و مرام، رنگ و نژاد و طبقه اجتماعی قائل بود، مخالفتی که در رفتار غیر انسانی و تحقیر آمیز، تبعیض و ستم نسبت به انسان‌های مظلوم و محروم نشان داد، جدیتی که در اجرای یکسان و برابر همگان در مقابل قانون از خود بروز داد، از جمله مواردی است که در تاریخ حقوق بشر بی نظیر است. علاوه بر آن که نکات قابل توجهی که در منشور حکومتی به استنادار خود مالک اشتر در این باره ابلاغ کرد، نشان از نگاه مترقیانه آن حضرت به عدالت، دموکراسی و حاکمیت قانون، ترویج و حمایت از حقوق بشر جهانی است.

در واقع، آن حضرت معتقدند از سه طریق می‌توان قواعد حقوق بشری را عینیت بیرونی داد:

### ۱- تدوین و تنظیم حقوق بشر در قوانین

امام علی (ع) با بر شمردن قواعد حقوق بشری در منشور حکومتی، به نظام‌های سیاسی آینده توصیه می‌کنند که حقوق بشر حقوق طبیعی و ذاتی بشر است و آن‌ها باید این قواعد را در تدوین و تنظیم قوانین و مقررات خود مورد ملاحظه قرار دهند، چنانکه خودشان با تهیه این منشور آن را به عنوان دستورالعملی در اختیار استنادار خود گذاشته‌اند.

## ۲- احترام و حمایت از حقوق بشر

دومین توصیه آن حضرت آن است که واحدهای سیاسی نه تنها بایستی احترام و مراعات حق بشری را مورد توجه قرار دهند، بلکه اگر حقوق افراد نقض گردید، ضروری است نسبت به برگرداندن آن حقوق اقدام عاجل صورت گیرد.

## ۳- اجرای حقوق بشر

سومین گام در منظر امام آن است که اعلام، احترام و حمایت از حقوق بشر لازم است، اما کافی نیست؛ چرا که اگر بهترین قوانین هم وجود داشته باشد، ولی به مورد اجرا در نیاید، چه فایده ای دارد. اثربخشی حقوق بشر به اجرای صحیح و درست، و عدم برخورد سیاسی و گزینشی عمل کردن آن است. از این رو، امام علی (ع) به دولت‌ها توصیه می‌نمایند که هرگاه قواعد حقوق بشر به درستی و به طور کامل اجرا شود، عدالت اجتماعی و امنیت زندگی و آرامش خاطر و آسایش مردم جامعه ایجاد و حفظ می‌شود.

متأسفانه در عصر حاضر مدعیان حقوق بشر، تنها در اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها به حقوق انسان‌ها اشاره کرده، و در مقام عمل و اجراء، با این مسئله صرفاً گزینشی و برخورد سیاسی می‌کنند. روشن است که علت آن، استفاده ابزاری قدرت‌های بزرگ و زیاده‌خواه از این قواعد و معیارها برای فشار آوردن بر دولت‌های مستقل و به ویژه دولت‌هایی که در عرصه بین‌المللی دیدگاه‌های متعارض دارند، می‌باشد؛ نه آنکه طرح مسئله حقوق بشر از سوی آن‌ها از سر دلسوزی برای بشریت و نگرانی برای تضييع عدم رعایت حقوق بنیادین انسان‌ها باشد. بنابراین، از آنجایی که حقوق بشر یکی از جذاب‌ترین موضوعاتی است که می‌تواند برای همگرایی ملت‌ها از آن بهره‌گرفت، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استفاده از مشترکات موجود در اصول حقوق بشر و مذاکره با کشورها، در حرکت به سوی صلح و امنیت جهانی و رهایی بشر از چالش‌هایی که بر سر راه او قرار دارد، گام‌های مؤثری بر دارد.

## منابع

- قرآن کریم.
- تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶)، حقوق بشر، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران: میزان.
- حرعاملی، محمدبنحسن (۱۴۲۹)، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البیت، جلد ۱۱.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۸۶)، حقوق جهانی بشر: تحقیق و تطبیق در دو نظام؛ اسلام و غرب، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۶۸)، درآمدی بر حقوق اسلامی، تهران: سمت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، فلسفه حقوق بشر، قم: مرکز نشر اسراء.
- خلیلیان، سید خلیل (۱۳۶۸)، حقوق بین الملل اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خاتمی، سیداحمد (۱۳۷۹)، سیره سیاسی امام علی (ع)، تهران: نشر مطهر.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: زهد.
- دهقان، محمد حسن (۱۳۸۷)، شخصیت مالک اشتر، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷)، کرامت انسانی در حقوق کیفری، تهران، میزان.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۴)، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شایگان، فریده و دیگران (۱۳۸۲)، تقویت همکاری های بین المللی در زمینه حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران.

- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۸۰)، حقوق بشر (نظریه‌ها و رویه‌ها)، تهران: دانشگاه تهران.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۸۲)، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۷۹)، توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۸)، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، ج اول.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸)، مبانی حقوق بشر در اسلام و دنیای معاصر، تهران: مجد.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۶۶)، آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- قاری سید فاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قربانی، زین‌العابدین (۱۳۶۷)، اسلام و حقوق بشر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قمی، عباس (۱۳۷۱)، منتهی‌الامال زندگانی چهارده معصوم (ع)، تهران: مطبوعاتی حسینی.
- گرجی، علی اکبر (تابستان ۱۳۸۳)، «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره دوم.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۳.ه.ق)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ج ۳۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، انسان و سرنوشت، قم: صدرا.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۸)، حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن، تهران: انتشارات اطلاعات.
- میرتاج‌الدینی، سیدمحمد رضا (۱۳۷۶)، اخلاق کارگزاران حکومت از دیدگاه اسلام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: میزان.
- هاشمی‌نژاد، عبدالکریم (۱۳۵۷)، بحث‌هایی از دکتر و پیر، تهران: مؤسسه انتشاراتی فراهانی.

- Alex, Conte (2004), **defining civil and political rights** , London, Ashgate.
- Beyleveled, Deryck and Brownsword, R(2001), **Human Dignity in Bioethics and Biolaw**, first published Oxford University press.
- Campbell, Henry(1968), **Black Law Dictionary**, St. Paul, Mina: West Publishing , Co.
- Dinstin, Yoram(2007), “**The conduct of hostilities under the law of international armed conflict**” Cambridge, university Press.
- The Oxford Encyclopedic(1996), **English Dictionary**, New York, Oxford, University Press.
- Weston(1992), CF Burns: **in20 new Encyclopedia** , Britanica , 15 th Edition.
- www. Un.org. Universal Declaration of Human Rights.
- www. Un.org. Human Rights Committee – General Comments 6.
- www. Un.org. Human Rights Committee – General Comments 10.
- www. Un.org. Human Rights Committee- General Comments 18.
- www. Un.org. Human Rights Committee – General Comments 19.

۱۴۰

فصلنامه مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

سال دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی